



پنجم

ل

حمیدہ خرائی

نشر

نام کتاب:

حمیده خزائی

به کوشش:

آئلیه انتشارات گل محمدی

صفحه آرا:

انتشارات گل محمدی

ناشر:

بهار ۱۳۹۴

چاپ اول:

۳۰۰۰ نسخه

شمارگان:

۲-۲۹-۲۶۹۰-۹۶۴-۹۷۸

شابک:

مهشید

چاپ:

۷۵۰۰ تومان

قیمت:

سرشناسه: خزائی، حمیده، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور: تلنگر پنجم/حمیده خزائی.

مشخصات نشر: مشهد: گل محمدی، ۱۳۹۴

مشخصات ظاهری: ۸۰ص: مصور: ۱۱×۱۷ س.م.

شابک: ۲-۲۹-۲۶۹۰-۹۶۴-۹۷۸ / ۷۵۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

موضوع: داستان های کوتاه فارسی - قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳-۸۲/۲۴۳۶/ز/۸۰۴۰ PIR

رده بندی دیویی: ۳/۶۲ ف ۸

شماره کتابشناسی ملی: ۳۶۸۵۸۹۲



مشهد: کوهسنگی ۲۰ - بین میدان شهید کوشه ای و

تلنگر پنجم ۴۱ - ساختمان ۱۵۵ - طبقه سوم

انتشارات گل محمدی

تلفن: ۳۸۲۵۵۸۸۸ (خط ۴) دورنگار: ۳۸۲۴۸۱۱۱ (۰۵۱)

www.GolPublish.com

ناشر از فرهیختگی و درایت مدیران شرکت الماس تابان گیش، بنیان گذار مجموعه عظیم و فاخر بزرگ بازار اطلس

به خاطر کمک به اشاعه ی فرهنگ مثبت اندیشی و ترویج کتاب خوانی در جامعه کمال تشکر را دارد.

www.atkish.com

به قلم ناشر

امیدوارم شما نیز جزو تلنگر خوان‌های حرفه‌ای باشید که همیشه منتظر انتشار شماره‌ای جدید از آن هستید. اگر این گونه است، اجازه دهید از فرصت استفاده نموده و در همین مقدمه، داستان کوتاهی را به نقل از عزیزی برایتان بازگو کنم.

این عزیز می‌گفت: «روزی هنگام پیاده‌روی برای رسیدن به محل کارم به مردی برخورد کردم که مشغول آدرس دادن به زوج جوانی بود؛ این مرد دچار لکنت زبان بود و به سختی می‌توانست کلمات را ادا کند به ویژه که در حضور این تازه‌عروس و داماد که زائر امام رضا علیه‌السلام بودند، استرس بیشتری داشت و بر لکنت زبانش افزوده شده بود.

در چهره این زوج جوان کاملاً مشهود بود که از سؤال خود پشیمان شده بودند و دوست نداشتند که مرد را تا این حد به زحمت بباندازند و مدام سرشان را به علامت فهمیدن آدرس تکان می‌دادند تا سریع‌تر این گفت‌وگوشنود تمام شود.

اما مرد هم چنان مضمم بود که راهنمایی را بدون نقص انجام دهد. «این عزیز اضافه می کند که: «بسیار متاثر شدم و به شدت از دست خودم عصبانی گشتم. من از نعمت سخن گفتن صحیح و بدون نقصی که خداوند به من داده بود، درست استفاده نکرده بودم. من با صدای بلند و بدون لکنت زبان، بارها از این نعمت خداوندی برای فریاد کشیدن بر سر دیگران استفاده کرده بودم و بارها به بهانه عجله داشتن از گفتن آدرس به دیگران سر باز زده بودم. لحظاتی ایستادم تا حالم بهتر شود در همین حین مشاهده کردم که زوج جوان تشکرکنان از مرد خداحافظی کردند و رفتند و مرد سعی کرد تا خود را به اتوبوس برساند که متأسفانه اتوبوس ایستگاه را ترک کرد و رفت و او به انتظار اتوبوس بعدی نشست. وقتی متوجه شدم که او برای رسیدن به محل کارش از اتوبوس جا مانده، بیشتر پیش خودم شرمند شدم و ...»

تلنگر را می توان همه جا یافت به شرط آن که در به رویش بگشایید.

مهدی گل محمدی

